

نقد

درباره فیلم تومان به کارگردانی مرتضی فرشباف

دغدغه سینمایی بودن

[علیرضا بخشی استوار] شاید بهترین واژه را برای بیان آنچه که در فیلم تومان می‌گذرد خودکارگردان آن در نشست خبری فیلمش به کار برد. او گفت: «همه آنچه در فیلم دیدید، برای من در دل یک بازی معنا پیدا می‌کند و من به دنبال روایت و مسأله خاصی نیستم و بیشتر سینما برایم اهمیت داشت.» ولی چرا این جمله در تحلیل کاری که کارگردان انجام داده است، اهمیت دارد؟

در همان پلان‌های آغازین فیلم تومان مخاطب می‌تواند حدس بزند که قرار است چه اتفاقی تا انتهای فیلم رخ بدهد. با این پیش‌فرض کارگردان دارد به ماموضعی را اعلام می‌کند و آن اینکه حرفی برای گفتن دارد که می‌تواند این گونه با جسارت مسأله اصلی فیلم خود را از همان ابتدا به ما بگوید؛ مسأله‌ای که عمده بودن آن مشهود است.

وقتی چنین شرایطی در یک فیلم وجود دارد آنچه که اهمیت پیدا می‌کند، شکل روایت یک قصه است. قصه‌ای که کیفیت دراماتیکش به واسطه عناصر به هم پیوسته سینما (جانمایی دوربین، صدا، تدوین، موسیقی، بازیگر و غیره) عیارسنجی خواهد شد؛ یعنی در چنین شرایطی اگر هر کدام از این عناصر به درستی عمل نکنند فیلم کشتش و جذابتی را به وجود نمی‌آورد چرا که ماتریمیایی دانیم که قصه بر سر چیست.

نویسنده این اثر که خود مرتضی فرشباف است، برای روایت قصه‌اش به سراغ شهری رفته که زادگاه اوست؛ یعنی کتید. در این شهر آنچه که بیش از هر نکته دیگری شهره است، مسأله سوآکاری و شرط‌بندی در این شهر است که حتی شکلی رسمی دارد. او این فعل را که اساسا شکلی دراماتیک دارد مینا یا زمینه قصه یا روایتش قرار می‌دهد و داستان خود را بر اساس تعلیق‌هایی که ذات شرط‌بندی می‌تواند در پی داشته باشد بنا می‌کند و پیش می‌برد. او با قمار برخوردی منتقدانه و ایندولوژیک ندارد و صرفا این مسأله کاتالیزور یا محرکی برای شکل گرفتن درام فیلم است. این زمینه که از لحاظ تصویری هم منحصر به فرد است، در کنار خود مسأله دیگری را هم به وجود می‌آورد. مهم‌ترین مسأله‌ای که در کنار قمار می‌نشیند پول یا همانند نام فیلم تومان است و خود پول باز مسبب اتفاق‌های دیگری است که درون این ماجرا تنیده شده است؛ مسأله‌ای چون جاه‌طلبی، تمامیت‌خواهی، رفاه و خوش‌گذرانی و بسیاری از مسأله دیگر که همه این مسأله در نهایت برای قمار باز مانند یک سراب می‌ماند و این همان کانسپت و زیرمتنی است که تصویرهای چندلایه فیلم تومان را شکل داده است. لایه‌هایی که با ابزارهای فنی سینما تلاش شده کیفیت فیلم بصری به خود بگیرند. متناسب با روند داستان آنچه که ما را به فهم فیلم و جهان آن نزدیک می‌کند مسأله‌ای چون حرکت دوربین، نور، طراحی چهره، صحنه، لباس و رابطه بین بازیگران است که از جهان خودشان بیرون نمی‌آیند تا با حرف‌هایی که به خودشان متعلق نیست (حرف‌های شعاری) بخواهند نظر مخاطب را به خود جلب کنند و به قولی کاریکاتوری از دغدغه‌مندی را به تصویر بکشند.

در بیشتر صحنه‌های فیلم بازی با دوربین و دکوپاژهای نامتعارف است که ما را به چنگ می‌اندازد تا موضوعی را دنبال کنیم و ما در برابر یک دوربین منفعل بدون کنش که بدون هدف بازیگرانی را دنبال کند، نیستیم. مادر این فیلم به کرات قاب‌زبانی می‌بینیم، قاب‌هایی که صرفا هم نمی‌خواهند زیبا باشند و بیانگر و منتقل‌کننده یک اتفاق، احساس یا یک موضوع مهم در فهم‌گره‌های فیلم است.

با احتساب این قسبه این فیلم حتی در پایان هم باز ما را غافلگیری می‌کند جایی که ما خیال می‌کنیم قصه با فروپاشی شخصیت اصلی به پایان رسیده بود دیگر همه چیز تمام شده و ما به موقعیت آغازین فیلم رسیده‌ایم. کارگردان با تمهیدی ما را به سمت پایانی می‌برد که پیش‌بینی‌اش را نمی‌کردیم؛ یعنی او باز هم ما را بازی می‌گیرد و چون او این پایان نامتعارف را با صرف وقت بیشتری به ما نشان می‌دهد ممکن است به ذائقه این روزهای ما خوش نیاید و برای همین خیال کنیم که فیلم از ریتم افتاده یا طولانی شده است.

فرشباف در واقع این جسارت را داشته تا تا انتهای این روزهای ما را که به فیلم‌های اجتماعی با دغدغه‌های روز جامعه عادت کرده بشکنند و فیلمی بسازد که هم‌زمان که حال‌مان را خوب می‌کند و ما را می‌خنداند ما را به فکروا می‌دارد تا از دل روابط بین شخصیت‌ها که به خودمان و به درون‌مان رجوع کنیم. با این حال اگر فیلم تومان را در همان سطح نخستین روایتش ببینیم از زیرمتن ذقیق آن غافل می‌مانیم. □

خبر

پیش‌تازی ۳ فیلم در سانس فوق‌العاده

مدیر امور رسانه‌های سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر از پیش‌تازی سه فیلم در رسیدن به سانس فوق‌العاده در پایان روز ششم جشنواره فیلم فجر خبر داد. محمدرضا فرجی گفت: «هفدهم بهمن ماه فیلم سینمایی «سه کام حبس» به کارگردانی سامان سالور در پردیس آزادی، «درخت گردو» ساخته محمدحسین مهدویان در ایران‌مال، «روز صفر» ساخته سعیدملکان در سینما فرهنگ و ایران‌مال، «شنای پروانه» ساخته محمد کارت در موزه سینما، استقلال و زندگی ۲ و «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیادرموزه سینما و زندگی به سانس فوق‌العاده رسیدند. دو فیلم «سه کام حبس» و «خروج» طی دو روز گذشته از ادامه رقابت در فهرست برترین فیلم‌ها از نگاه تماشاگران جشنواره بازماندند. □

فیلم‌های روز هفتم جشنواره در پردیس ملت

در هفتمین روز از سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر فیلم‌های «لباس شخصی» به نویسندگی و کارگردانی امیرعباس رییعی، «خروج» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا و «آتابای» تازه‌ترین اثر نیکو کریمی به نمایش درآمدند و به رقابت با یکدیگر پرداختند. □

فیلم‌هایی که با حمایت فارابی روانه فجر سی‌وهشتم شد

۶ فیلم سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر که در بخش‌های سودای سیم‌رغ و نگاه‌نو پذیرفته شده‌اند با حمایت بنیاد سینمایی فارابی تولید شده‌اند. کیوان علی‌محمدی در همکاری تازه‌اش با علی‌اکبر حیدری فیلم «سینما شهر قصه» را به سودای سیم‌رغ رسانده است. فیلم «مغز استخوان» دومین اثر حمیدرضا قربانی در مقام کارگردان است که با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی تهیه شده است. «ابرارانش گرفته» عنوان چهارمین فیلم بلندمجدید بزرگ در مقام کارگردان است که در بخش سودای سیم‌رغ سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر نمایش داده می‌شود و با حمایت بنیاد سینمایی فارابی تولید شده است. فیلم «پدران» به کارگردانی سالم صلواتی، «من می‌ترسم» چهارمین فیلم بلند سینمایی بهنام بهزادی و «مردن در آب مطهر» فیلمی به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی برادران محمودی دیگر فیلم‌هایی هستند که با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی تولید و روانه فجر سی‌وهشتم شده‌اند. □



نمایی از فیلم «تومان» ساخته مرتضی فرشباف □

گفت‌وگو با مرتضی فرشباف کارگردان فیلم «تومان»

«تومان» خوش ساخت اما بدقلق است

[صبا شادور] زمان اکران فیلم «بهمن» که حدود پنج‌سال پیش بود، با مرتضی فرشباف به صحبت نشستیم. از او درباره روند فیلم‌سازی‌اش در سینما پرسیدیم که در پاسخ گفت، زمان همه چیز را مشخص می‌کند. حتی ساخت یک فیلم به شرایط و وضع موجود در جامعه بستگی دارد. حالا این کارگردان سینما با فیلم «تومان» در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. داستان فیلم او قصه جذابی است که این روزها در پس همین مردم می‌بینیم که تبدیل به یک دغدغه شده است. اگرچه پنج‌سال طول کشید تا یک فیلم دیگری را کارگردانی کند اما معتقد است فیلم او نسلی را نشان می‌دهد که از طبقه متفاوتی از جامعه می‌آید که بعید نیست جوانان امروز به آن فکر کرده باشند. او خود فیلمش را فیلم بدقلقی می‌داند که باید تماشاگر بتواند با آن ارتباط برقرار کند. این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

••• آیا فکر می‌کنید نسل امروز جوانان با فیلم شما ارتباط برقرار می‌کنند؟

فیلم «تومان» بخشی از زندگی خود من بوده است. من متولد گنبد کاووس هستم که در واقع قلب، ترکمن صحراست. من همیشه دوست داشتم از زادگاهی که هستم، در آن محیط فیلم بسازم. به نظرم کارگردان‌ها باید گاهی به سراغ زادگاه‌شان بروند. جایی که بزرگ شدم و در آنجا زیسته‌ام، برایم مهم بود که روزی در آنجا فیلم بسازم. فضای «تومان» فضای رویایی خود من بود. از طرفی مسابقات اسپ‌دوانی که در آنجا برگزار می‌شود، تبدیل به یک امر مرسوم است که روی مسابقات شرط‌بندی قانونی می‌کنند. امروزه روی مسابقات فوتبال هم این اتفاق می‌افتد. به نوعی برای رفع مشکلات زندگی دست به شرط‌بندی می‌زنند. همین شده که دوست داشتم این سوز را تبدیل به یک فیلم سینمایی بکنم.

••• فیلم را در چهاربخش از چهار فصل بهار، تابستان، پاییز و زمستان می‌بینیم. چرا این‌گونه ایزودی را برای پیشبرد داستان این فیلم انتخاب کردید؟

در واقع اگر فیلم به یک شکل ادامه‌دار پیش می‌رفت، احساس می‌کنم تماشاگر را خسته می‌کرد. از طرفی بیان فضا و پرداختن به محیط تنها با رنگ‌ها و فضا سازی امکان‌پذیر بود. از طرفی در هر فصل این فیلم، رویکرد تازه‌ای از یک بازیگر هم نمایان می‌شد. اینها تا حدودی دلایلی بود که خواستم با تغییر فصل‌ها به مخاطب منتقل کنم تا داستان زندگی شخصیت‌ها هم در فصل تعریف شود. گاهی برای اینکه چطور یک داستان فیلم را تصویر و تعریف کنیم، نیاز به جنبه‌های بصری ما اجرا داریم. چرا که آدم‌های این فیلم از کنار هم رد می‌شوند و با پایان و در نقطه‌ای به هم می‌رسند. در واقع در قمار به هم گره می‌خورند. این‌گونه داستان‌ها، ساختار پیچیده‌ای دارد. تلاش کردم با جاه‌طلبی و نظارت بر فیلم‌نامه و حذف نکردن سکانس‌ها، فیلم را جلو ببرم. در نتیجه معتقدم تدوین این فیلم یکی از سخت‌ترین تدوین‌ها بوده، که با ابعاد فنی جدی‌تر انجام شده است.

••• برخلاف فیلم «بهمن» که یک فیلم آرام و با شخصیت‌های محدودی بود، فیلم «تومان» پر از سروصدا و شخصیت‌پردازی‌هایی است که گاهی هم در دل داستان فراموش می‌شود که افراد این فیلم با هم چه نسبتی دارند. در این باره نظری دارید؟

البته بحث قمار در فیلم همراه با شلوغی و افراد متفاوت است. همین مسأله باعث می‌شد تا این فیلم با اثر قبلی‌ام متفاوت باشد. تماشاگر هم همین حس را لمس می‌کند. اتفاقاً من قصد این بود که این فیلم نقطه مقابل «بهمن» باشد و یک اثر کاملا متفاوت با فیلم قبلی‌ام را نشان دهد. این فضا برای خود من هم تجربه عجیب و جالبی بود.

••• شخصیت زن در فیلم‌های شما یک شخصیت پیچیده است. این پیچیدگی را ما هم به‌عنوان مخاطب احساس کردیم.

من در کودکی قصه‌های زیادی را می‌خواندم و آنها را تصویرسازی می‌کردم. اغلب شخصیت‌های زن در فیلم‌های من الهام‌گرفته از رویاهای کودکی من و قصه‌هایی است که بارها شنیده‌ایم. همانند قصه «پری دریایی» که اصولاً افراد خاصی با لباس‌های خاصی بود. من در این فیلم سعی کردم یک شخصیت زن داشته باشم که تمام اتفاقات در آن به وجود می‌آید. اینکه تنها زن قصه را از دور می‌بینیم که پشت به دوربین در حرکت است، می‌خواستم این موضوع را به مخاطب برسانم که در پس همه اتفاقات یک زن همیشه هست که حواس او به همه ماجراها بوده، اما نقش او خیلی هم پررنگ نیست.

••• چرا فیلم از زمان طولانی بهره می‌گیرد؟

ما تلاش زیادی کردیم که راش‌های فیلم را کوتاه کنیم؛ حتی این فیلم تدوین‌های مکرر شد؛ چرا که برای آن پایان‌های متفاوتی در نظر گرفتیم. شاید به همین دلیل است که مخاطب چندین بار در طول فیلم احساس می‌کند که اینجا پایان قصه است، اما قصه‌ناخودآگاه ادامه‌دار می‌شود. طول فیلم برداری این فیلم حدود ۸۵ جلسه شد، که به دلیل نشان دادن فصل‌ها مجبور بودیم منتظر بمانیم.

••• فیلم‌برداری این فیلم به شکل خاصی بود. در این باره چه صحبتی دارید؟

واقعا از فیلم‌برداری این اثر که توسط مرتضی نجفی انجام شد، راضی هستم. به نوعی اگر این فیلم بردار را نداشتم، کارم پیش نمی‌رفت؛ چرا که هیچ وقت در طول کار من مخالفت نکرد. فیلم‌بردار باهوشی داشتم و این میزانشن‌هایی که در طول فیلم می‌بینید، واقعا کار سختی بود.

••• در این فیلم از نابازیگران استفاده کرده بودید. تجربه کار با نابازیگران برای شما چطور بود؟

اقرار بود نوید محمدزاده در این فیلم به ایفای نقش بپردازد، حتی برای نقش آیلین نیز فرشته حسینی را انتخاب کردم که در مقابل نوید قرار بگیرد، اما نوید پیش از این، برای کار دیگری قرارداد بسته بود و نمی‌شد در این فیلم هم حضور داشته باشد. در نهایت از بازیگران تئاتر برای حضور در این فیلم استفاده کردم. مجتبی پیرزاده نیز از جمله این بازیگران بود و برای این فیلم بسیار زحمت کشید. صیاد برهانی نیز پیش از این با میروسعید هم بازی بود و از آنجایی که چهره‌اش به ترکمن‌ها نزدیک بود، انتخاب خوبی بود. خوشحالم با تمام سختی‌های این دوستان در کنارم بودند. فیلم «تومان» برگرفته از تلاش همین بازیگران و تیمی بود که با آنها همکاری کردم. امیدوارم نتیجه کار آنها در جشنواره دیده شود.

••• سرمایه این فیلم چگونه تأمین شد؟

سرمایه‌گذاری این فیلم کاملا خصوصی است و هیچ ارگان دولتی مشارکت نداشته است.

••• شما تاکنون دوبار و با دو اثر متفاوت در جشنواره فیلم فجر حضور داشتید. تا چه حدی جشنواره فیلم فجر می‌تواند کارگردان را برای اکران عمومی فیلم آگاه کند؟

تجربه و تماشای فیلم «بهمن» در برج میلاد خیلی تجربه سختی بود. یک حس دوگانه داشتم. در این فیلم هم باید بگویم که این فیلم «بدقلقی» است، اما خوشحالم واکنش‌ها بد نبود. بعضی‌ها خیلی فیلم را دوست داشتند و بعضی‌ها اصلا به آن علاقه‌ای نشان ندادند. من فکر می‌کردم این فیلم کلید دارد و مخاطب در انتها آن کلیدها را کشف خواهد کرد. با این حال، حس من نسبت به این فیلم واقعا خوب است و آن را دوست دارم. من از ساخت این فیلم لذت بردم و راضی هستم. اگر فیلم «تومان» در جشنواره جایزه‌ای هم دریافت کند، مطمئن باشید شانس آن در اکران عمومی و همراهی مخاطبان خیلی بالا خواهد رفت. امیدوارم این فیلم بتواند دغدغه نسل امروز باشد و با آن همذات‌پنداری کند.

••• در پایان صحبتی دارید؟

خوشحالم که مسیر فیلم‌سازی‌ام یکنواخت نیست و این را مخاطب لمس کرده است. شاید فیلم بعدی‌ام هیچ ربطی به دو فیلم «بهمن» و «تومان» نداشته باشد. باز هم همان صحبت همیشگی که زمان و وضع جامعه خط داستان فیلم بعدی را مشخص خواهد کرد. □

